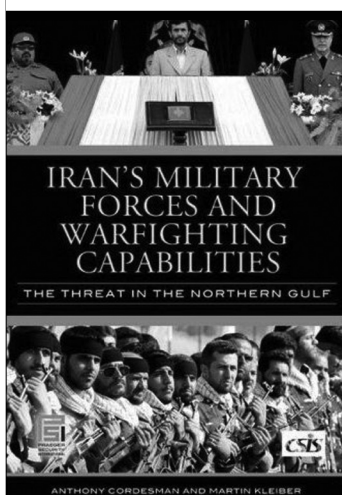


نیروهای نظامی ایران و توان جنگی آن

اثر: آنتونی کردزمن و مارتین کیلیبر

معرفی و نقد: دکتر حیدرعلی بلوچی*

Anthony Cordesman, Martin Kleiber, Iran's Military Forces and Warfighting Capabilities (London: PRAEGER SECURITY INTERNATIONAL, 2007: p.p. 288).



توانایی‌ها و اهداف نظامی و امنیتی ایران می‌پردازد، کتاب حاضر است که به عنوان پروژه‌ای مشترک توسط مرکز مطالعات "امنیت بین‌الملل پریگر" و "مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی" در ۱۲ فصل و ۲۸۸ صفحه در سال ۲۰۰۷ منتشر شده است.

با وقوع انقلاب اسلامی در ایران در سال ۱۳۵۷ بسیاری از کشورها و بازیگران بین‌المللی با شک و گمانه‌های خاص نسبت به اهداف و توانمندی‌های ایران نگرینسته‌اند. به طوری که در طی سی سال گذشته، کارشناسان مسائل امنیتی تصاویر و تفاسیر مختلف و متفاوتی درباره نقش و سیاست ایران در سطح منطقه‌ای و جهانی ارائه کرده‌اند که با آنچه در عالم واقع جریان دارد، کاملاً منطبق نیست.

بر این اساس، کتب و مقالات زیادی در باره مسائل امنیتی ایران و خاورمیانه منتشر شده و هر کدام به نحوی به ترویج ادبیات موجود کمک کرده‌اند. لازم به ذکر است که هر چند این موضوع برای بسیاری از محققین و کشورها جالب توجه است، با وجود این به دلیل روابط پرفراز و نشیب و دیدگاه‌های خاص ایران و غرب نسبت به همدیگر، موضوع ایران در کشورهای غربی و به خصوص ایالات متحده در بسیاری از مراکز تحقیقاتی و توسط کارشناسان مختلف مورد مطالعه است.

از جمله آثاری که به تفصیل و از ابعاد مختلف به

ذیلاً با معرفی نویسندگان و مروری بر خلاصه محتوایی کتاب، به نقد و بررسی آن می‌پردازیم. یکی از کارشناسان معروف که در خصوص مسائل سیاسی و امنیتی منطقه و ایران قلم می‌زند، آقای آنتونی کردزمن است که سالیان متمادی به این کار مشغول است. وی علاوه بر انتشار آثار^۱ بسیار زیاد در این

*دکترای روابط بین‌الملل و کارشناس وزارت امور خارجه

1. PRAEGER SECURITY INTERNATIONAL

Gulf military forces in an era of asymmetric wars; Perilous prospects:

۲. از جمله آخرین آثار کردزمن می‌توان به این موارد اشاره کرد:

the peace process and the Arab - Israeli military balance; Iraq and the war of sanctions: conventional threats and weapons of mass destruction; Iran's military forces in transition: conventional threats and weapons of mass destruction; Western strategic interests in Saudi Arabia; A tragedy of arms: military and security developments in the Maghreb; The lessons and non - lessons of the air and missile campaign in Kosovo; Arab - Israeli military forces in an era of asymmetric wars; Saudi Arabia enters the twenty - first century: the political, foreign policy ; Terrorism, asymmetric warfare, and weapons of mass destruction.

با توجه به این موارد، نویسندگان کتاب در این فصل نتیجه می‌گیرند که در ایران پس از انقلاب نه تنها بازیگران داخلی مسائل امنیتی افزایش پیدا کرده که در عمل به چند صدایی در این زمینه منجر شده و برداشت واحد و کاملاً شفاف را نیز سخت‌تر کرده است.

جمهوری اسلامی ایران یک قدرت منطقه‌ای بلامنازع نیست؛ چرا که در هر حال، نیروهای خارجی مجهز به تسلیحات پیشرفته‌تر در منطقه حضور دارند. با وجود این، ایران توانمندی‌های نظامی و دفاعی قابل توجهی دارد که با توسل به آنها به راحتی می‌تواند یک جنگ نامتقارن را راه بیندازد. همچنین، ایران بطور مداوم تلاش می‌کند تا از نظر نظامی به آخرین پیشرفت‌های علمی و فنی مجهز شده و همگام با استراتژی‌ها، تاکتیک‌ها و تکنولوژی روز دنیا حرکت کند. علاوه بر این، با تجزیه و تحلیل برخی آثار نظامی منتشر شده توسط نظامیان ایران می‌توان به این نکته پی برد که در این کشور افراد واقع بینانی وجود دارند که فراتر از ناسیونالیسم دینی و ملی و به صورت کاملاً واقع بینانه به سود و هزینه و خطرات یک اقدام فرضی کاملاً توجه دارند.

برنامه‌های تسلیحاتی ایران نیز نشان می‌دهند که تلاش این کشور هم معطوف به کسب سلاح‌های متعارف مدرن، همگام با انقلاب در امور نظامی و دستیابی به توان و موقعیت اعمال ضربات نامتقارن نسبت به دشمن است. در ادامه نویسندگان به تأثیر مسائل سیاسی و اقتصادی بر توان نظامی ایران پرداخته و حرکات سیاسی افراطی و سوءمدیریت اقتصادی را از عوامل بالقوه موثر در ارائه تصویر یک کشور کاملاً قدرتمند نظامی می‌دانند که در عمل به تصمیمات متغیر منجر می‌گردد.

همچنان که اشاره شد، حضور نظامی نیروهای نظامی بیگانه در منطقه نیز موجب یک توازن نظامی گردیده و حتی فراتر از آن برخی اوقات به یک تهدید نظامی علیه ایران منجر می‌گردد. در این راستا، به خصوص حضور نیروهای نظامی امریکا که تقریباً در

خصوص، پست‌های مهمی در حکومت امریکا و از جمله در وزارت انرژی داشته و برای انجام مأموریت‌های مختلف به کشورهای منطقه سفر کرده است.

مارتین کیلیبر، دیگر نویسنده کتاب نیز از محققان برجسته مرکز بین‌المللی مطالعات استراتژیک^۱ است. نامبرده نیز که مشاغلی در وزارت امور خارجه آلمان و سازمان ملل داشته، تألیفاتی را در زمینه مسائل امنیتی منطقه خاورمیانه و ایران منتشر کرده است.^۲

خلاصه محتوایی

فصل اول کتاب به مقدمه اختصاص دارد و چارچوب مفهومی کتاب در این فصل مطرح می‌گردد. در این فصل نویسندگان کتاب اذعان می‌کنند که در محافل تحقیقاتی و کارشناسی مختلف نسبت به اولویت توجه به اهداف و مقاصد^۳ و توانمندی‌های امنیتی ایران اختلاف نظر وجود دارد. به عبارت دیگر، در حالی که نقطه عزیمت تجزیه و تحلیل‌های برخی کارشناسان پیرامون مسائل امنیتی ایران، اهداف و مقاصد این کشور می‌باشد؛ از نظر برخی دیگر ارائه یک دیدگاه منطقی و درست و در نهایت قضاوت درباره عملکرد ایران مستلزم توجه و تأکید بیشتر بر توانایی‌های عینی این کشور است. با وجود این، باید خاطر نشان ساخت که هر دو مفهوم اهداف و مقاصد^۴ و توانمندی‌ها^۵ حتی در یک دوره زمانی کوتاه تا حد زیادی برای ما مبهم و غیر آشکار می‌باشند. حتی ممکن است به مرور زمان بر میزان این ابهام افزوده شده و ذهن ناظرین را بیشتر معشوش کند. زیرا به طور معمول سیاست‌های داخلی، برداشت‌ها و استراتژی‌ها را تغییر می‌دهند، طرح‌ها و برنامه‌ها با واقعیت‌های موجود تعدیل می‌شوند و با گذشت زمان، عوامل بیرونی اهداف و مقاصد و توانمندی‌ها را متحول می‌سازند. سیاست‌های اعلامی و عملی کشورها لزوماً منطبق بر هم نیستند و بازیگران نظام بین‌الملل، آن طوری که مدعی هستند، همیشه عقلانی عمل نمی‌کنند. تصاعد بحران‌ها همواره به عوامل واقعی بر نمی‌گردد.

1. Center for Strategic and International Studies; <http://csis.org/>

2. Chinese military modernization: force development and security Capabilities; Remember China blowing up their Satellite; The Asian Conventional Military Balance in 2006; Chinese space weapons.

نگه داشتن نیروی نظامی خود به بلوک شرق و در رأس آن به دو کشور روسیه و چین روی آورد و با توسل به سیاست‌های صرفه‌جویی نظیر کاهش سوبسید در بخش‌های مختلف مثل سهمیه بندی و گران تر کردن بنزین برای مصرف کنندگان ایرانی، بسیاری از جوانان بیکار را به سازمان‌های نظامی جذب کرده است. به عبارت دیگر در حالی که به دنبال جنگ هشت ساله با عراق، بخش اعظم دستگاه نظامی ایران فرسوده شده بود و نیروی انسانی زیادی در اثر جنگ جان خود را از دست داده و یا مصدوم شده بودند و بدین ترتیب دستگاه‌های نظامی از بهره‌گیری از خدمات آنها محروم شده بودند، دولت ایران با اتکا به صرفه‌جویی‌های اقتصادی، محدوده مانور خود برای خریدهای نظامی را گسترش می‌دهد، و از سوی دیگر در نتیجه سیاست خودکفایی و اتکا به خود، قادر می‌شود برخی از نیازهای دفاعی و نظامی خود را در داخل کشور تأمین نماید. در نهایت، دولت ایران توانسته است با جذب جوانان بیکار به بخش‌های نظامی، علاوه بر جبران خلاء نیروهای از رده خارج شده، برخی از بحران‌های اقتصادی را به تأخیر بیاورد.

فصول چهارم و پنجم به ترتیب به وضعیت ارتش و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی می‌پردازند. در رابطه با ارتش جمهوری اسلامی ایران، عمده توجه نویسندگان کتاب به توان رزمی و زرهی ارتش، هوانیروز و توان ضد هوایی، پیشرفت‌های نظامی جدید در رابطه با جنگ‌های هوایی نظیر تولید هواپیماهای بدون سرنشین و در نهایت به فرماندهی و کنترل و روند تجدید ساختار ارتش معطوف است.

اما در رابطه با سپاه که از دستاوردهای انقلاب اسلامی است، نویسندگان کتاب ضمن اشاره به تاریخ تحولات سپاه، به بررسی نیروی زمینی، دریایی و هوایی سپاه و نیز سپاه قدس و فعالیت‌های خارجی آن و نیز نقش بسیار مهم سپاه پاسداران در صنایع نظامی و از جمله تولید موشک‌های مختلف اشاره می‌کنند و در ادامه به سایر نیروهای شبه نظامی شامل بسیج و پلیس و نیروی انتظامی می‌پردازند.

دو فصل بعدی نیز به دو نیروی هوایی و دریایی

تمام کشورهای منطقه جای پای خود ایجاد کرده‌اند، برای ایران تهدید کننده است.

در فصل دوم موضوع تغییر نقش ایران در امنیت منطقه‌ای مورد بحث قرار می‌گیرد. از نظر عناصر قدرت، ایران تقریباً برترین کشور منطقه است. زیرا این کشور با داشتن جمعیتی در حدود هفتاد میلیون نفر و با مساحتی بزرگ‌تر از کشورهای دیگر و آهنگ رشد اقتصادی فزاینده قادر به ایفای نقش امنیتی قوی‌تر نسبت به سایر کشورهای منطقه است. به خصوص اگر حمایت خارجی از این کشورها قطع شود، برتری قطعی ایران به راحتی هویدای می‌گردد. در واقع، ایران مخالف با امریکا و اسرائیل که روابط حسنه‌ای با حکومت شیعی عراق دارد و روابط آن با سوریه و لبنان بسیار نزدیک است، علاوه بر این که دشمنی اعراب سنی نسبت به ایران را خنثی می‌کند، بلکه بر نفوذ ایران در منطقه فزونی می‌بخشد. بنابراین، ایران در رابطه با امنیت منطقه‌ای یک کشور بسیار مهم است که هرگونه نظام امنیتی مغایر با منافع خود را می‌تواند بی‌اثر کند. با نگاهی به تحولات منطقه پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران شواهد بسیاری برای تأیید این ادعا می‌توان پیدا کرد. به عبارت دیگر، در حالی که ایران انقلابی با اقدامات ویژه مثل اشغال سفارت امریکا در این کشور و تلاش برای صدور انقلاب به کشورهای منطقه، بسیاری از قدرت‌های منطقه‌ای و فرماندهی‌های منطقه‌ای را علیه خود برانگیخت، اتحاد آنها را برای مداخله در امور داخلی خود و توسل به زور یا تهدید به آن و نیز اقدامات دیگری همچون تحریم و تلاش برای تحمیل انزوای سیاسی را تقریباً بی‌اثر کرده و دشمنان و رقبای ایران در طی سه دهه گذشته نتوانسته‌اند به اهداف و خواسته‌های خود دست پیدا کنند.

متعاقب دو فصل اول کتاب که بیشتر به مسائل کلی و کلان اختصاص دارند، در ادامه فصول نویسندگان با بررسی آماری به تجزیه و تحلیل مسائل نظامی ایران در سطح خرد می‌پردازند. از جمله در فصل سوم با عنوان هزینه‌های نظامی، واردات اسلحه و تأمین نیروی انسانی به این نکته اشاره می‌کنند که در شرایطی که ایران انقلابی با وخیم شدن روابطش با دنیای غرب جهت برپا

توسعه آن هم ارتش و هم سپاه پاسداران انقلاب اسلامی واحدهای دریایی تشکیل داده و آن را به قایق های مین روب، موشک های ضد ناو و واحدهای زیردریایی مجهز کرده است.

فصل هشتم به نیروهای شبه نظامی و نیروها و دستگاههای امنیتی و اطلاعاتی داخلی اختصاص داده شده و در آن نقش وزارت اطلاعات و حفاظت اطلاعات سپاه و نیز نیروهای مقاومت بسیج و نقش وزارت کشور در تأمین امنیت داخلی به طور اجمالی توصیف شده است. از جمله اظهارات عجیب نویسندگان کتاب در این فصل آن است که ایران از تروریسم لطمه ندیده است، در حالی که گروهکهای تروریستی همچون منافقین بارها با حمایت کشورهای خارجی دست به اقدامات تروریستی در داخل کشور زده اند.

در فصل نهم، توان موشکی جمهوری اسلامی ایران اعم از کروز و یا بالستیک و نحوه و میزان هماهنگی و نقش آنها در توان نظامی کشور مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. البته، نویسندگان کتاب با اذعان به فقر اطلاعاتی در این زمینه به استناد بیانات منابع امریکایی خبر از برنامه جدی ایران برای توسعه توان موشکی خود می دهند. در این فصل با اشاره به انواع موشک های ایران و سابقه و توان برد آنها، ضمن تشکیک در عملکرد موفق موشک شهاب، گفته شده که بیشتر موشک های دوربرد در اختیار سپاه می باشد که با بهره گرفتن از کمک های کره شمالی برد آنها تا سال ۲۰۱۵ به ۳۰۰۰ کیلومتر خواهد رسید. همچنین، اذعان کرده که جمهوری اسلامی ایران برنامه ای برای تولید موشک حامل ماهواره در حال اجرا دارد که در صورت کاربرد نظامی می تواند به عنوان موشک بالستیک بین قاره ای (ICBM) مورد بهره برداری قرار گیرد.

در فصل دهم و یازدهم، نویسندگان کتاب به برنامه ها و توانمندی های ایران در زمینه سلاح های کشتار جمعی اعم از شیمیایی، میکروبی و هسته ای می پردازند. در حالی که با وجود سازمان منع سلاح های شیمیایی، به عنوان تنها مرجع معتبر برای نظارت، کنترل و انهدام سلاح های شیمیایی در جهان رازیر نظر دارد و با وجود بازرسی های مختلف انجام شده توسط

جمهوری اسلامی ایران می پردازد. بر این اساس در فصل شش با اشاره به برتری عددی نیروی هوایی ایران نسبت به دیگر کشورهای منطقه بر این نکته تأکید می کند که از نظر کیفی نیروی هوایی ایران به اندازه لازم به روز نشده و سایر کشورهای منطقه با خرید جنگنده های پیشرفته تر وضعیت بهتری نسبت به ایران دارند. در واقع، توان نسبی نیروی هوایی ایران در مقایسه با سایر کشورهای منطقه از سه دهه گذشته سیر نزولی داشته است. زیرا با فرسوده شدن هواپیماهای خریداری شده در دوره قبل از انقلاب اسلامی و عدم خرید هواپیماهای جدید، ناوگان نیروی هوایی ایران دارنده هواپیماهایی است که دیگر قادر نیستند به خوبی در عملیات های هوایی شرکت کنند. به خصوص تا پایان جنگ هشت ساله با عراق فرصت لازم برای ارتقاء کیفی نیروی هوایی خود را نداشت و بعد از آن نیز ایران باز به روسیه و کشورهای شرقی روی آورد. از این رو، نیروی هوایی ایران از نظر کیفی پیشرفت چندانی نداشته است. در مجموع در حالی که نیروی هوایی ایران هم برای دفاع و هم تهاجم سازماندهی شده آسیب پذیری هایی نیز در این زمینه دارد. همچنین، در این فصل تقسیم کشور به چهار حوزه دفاعی و سهم هریک از آنها در پوشش دفاعی هوایی مورد بحث قرار گرفته است.

موضوع فصل بعدی، نیروی دریایی است که حتی در مقایسه با نیروی زمینی و هوایی ایران کوچک تر است؛ با وجود این، براساس درس های جنگ با عراق، جمهوری اسلامی ایران توجه ویژه ای به توسعه نیروی دریایی خود دارد. نیروی دریایی ایران برای دفاع از مرزهای آبی، اسکله ها، تأسیسات نفتی و دریایی و جزایر کشور سازماندهی شده است. اما توان کیفی آن به قدری نیست که بتواند در برابر نیروی دریایی قدرت های بزرگ یا ائتلاف های تحت رهبری آنها دوام بیاورد. اما باید اذعان کرد که در صورت یک جنگ نامتعارف، کشتی های کوچک ایران می توانند رفت و آمد دریایی را مختل کنند. نیروی دریایی ایران در دفاع چند لایه ای جمهوری اسلامی ایران در برابر تهاجم دشمن نقش و جایگاه ویژه ای دارد و برای تجهیز و

وضعیتی ارائه می دهند که طیف وسیعی از اقدامات را از تحریم نفتی تا سایر مجازات های اقتصادی مطرح می کنند. در صورت دستیابی ایران به بمب هسته ای، البته، اقدامات لازم از دیدگاه نویسندگان برای مقابله با ایران، متفاوت از پیشنهادات قبلی خواهد بود. نویسندگان معتقدند که در این صورت علاوه بر امریکا باید آژانس بین المللی انرژی اتمی، به عنوان مهمترین مرجع بین المللی نظارت و کنترل فعالیت های هسته ای کشورهای عضو و از جمله ایران، بازیگران دیگری همچون سازمان ملل، اتحادیه اروپا، اسرائیل و حتی همسایگان ایران وارد گود شده و با ایران مقابله کنند.

در ادامه، نویسندگان کتاب با ارائه لیستی از تأسیسات هسته ای ایران به گزینه ها و شیوه حمله امریکا و اسرائیل به ایران می پردازند و به ایران توصیه می کنند که با توجه به این که مقابله با امریکا نوعی خودکشی است، بهتر است از تلاش برای هسته ای شدن و استفاده از آن علیه امریکا دست بردارد.

نقد و ارزیابی

بسیاری از آثار و ادبیاتی که در خصوص سیاست امنیت ملی ایران توسط محققین بیگانه تولید و منتشر شده است، در بهترین حالت، تحلیل هایی از راه دور درباره موضوع مورد مطالعه خود یعنی جمهوری اسلامی ایران و امنیت منطقه ای و بین المللی ارائه می دهند که در میدان عمل بسیاری از آنها بی اعتبار و بلا استفاده اند و تنها تأثیر آنها دامن زدن و ترویج بدبینی افکار عمومی در سطح بین المللی نسبت به جمهوری اسلامی ایران و سیاست های امنیتی آن می باشد.

همچنین، در حالی که نویسندگان کتاب در دو فصل اول با تفکیک دو مفهوم "اهداف و مقاصد" و "توانمندی ها" در رابطه با سیاست های امنیتی ایران وعده و چشم اندازی برای رعایت این مسئله می دهند، اما در عمل خودشان نیز در این تله گرفتار می شوند. نگاهی به منابع مورد استفاده کتاب و به خصوص تکیه بر منابعی اعم از دولتی و غیردولتی که نسبت به ایران موضع دارند، این مسئله را به خوبی آشکار می کند. بدیهی است که نگاه خصمانه آنها نسبت به ایران

بازرسان این سازمان، پایبندی جمهوری اسلامی ایران نسبت به مفاد و مقررات کنوانسیون سلاح های شیمیایی بارها اعلام شده است و ایران به عنوان قربانی سلاح های شیمیایی همواره خواهان جهانی عاری از کلیه سلاح های کشتار جمعی بوده است، نویسندگان کتاب به جای مراجعه به منابع سازمان فوق به برآوردها و ادعاهای کشورهای دیگر و چند سازمان غیردولتی مراجعه کرده و با تکرار ادعاهای بی پایه آنها سعی در القای این موضوع دارند که ادعاهای جمهوری اسلامی ایران برای نداشتن سلاح شیمیایی هنوز کنترل نشده و احتمالاً این کشور با اتکا به منابع خارجی برنامه های مخفی برای دستیابی به سلاح های شیمیایی و میکروبی دارد.

بر خلاف فصل قبل، در فصل مربوط به برنامه های هسته ای جمهوری اسلامی ایران، نویسندگان به وجود منابع معتبر در این زمینه اشاره می کنند، در حالی که همانند منابع فصل قبل به منابع ارائه شده از سوی امریکا، اتحادیه اروپا و سازمان های غیردولتی استناد شده و برنامه های ایران در زمینه غنی سازی، چرخه سوخت، تولید و راه اندازی سانتریفیوژها، جداسازی لیزری ایزوتوپ ها، تاریخچه فعالیت های هسته ای ایران از زمان شاه تا سال ۲۰۰۷ و زمان احتمالی دستیابی به بمب هسته ای را مورد بحث قرار می دهند. در عین حال برای توجیه ادعاهای خود در زمینه خطر فزاینده ایران برای امریکا، با اظهار تأسف به توان موشکی غیر قابل کنترل ایران اشاره می کنند که در حال حاضر هیچ سازمان بین المللی برای کنترل موشک وجود ندارد.

بالاخره فصل دوازدهم کتاب به عنوان آخرین فصل برای نتیجه گیری و ارائه پیشنهادات عملی برای دولت ایالات متحده امریکا به بحث توانمندی های استراتژیک ایران و گزینه های امریکا برای پاسخ به ایران می پردازد. در ابتدای بحث با اشاره به نقاط ضعف و قوت ایران و تأکید بر محدودیت های نیروهای متعارف ایران به امکان روی آوردن این کشور به جنگ های نیابتی از طریق بازیگران دولتی و غیردولتی در منطقه خاورمیانه به منظور ضربه زدن به منافع امریکا پرداخته و پیشنهادهای عملی برای جلوگیری و مدیریت چنین

جزئی این کتاب توسط مراجع رسمی و غیر رسمی فعال در زمینه امنیت ملی، نقش بسزایی در تأمین منافع ملی کشورمان خواهد داشت.

مانع از ارائه یک تحلیل بی طرفانه که تحقیق علمی باید واجد آن باشد، می گردد. براین اساس، می توان گفت که تجزیه و تحلیل ارائه شده در این کتاب و گزینش منابع مورد استفاده برای اثبات ادعاها و تجزیه و تحلیل های فوق بر یک پیش فرض اساسی مبتنی است که رد و بازتاب آن در تمام فصول کتاب هویداست و آن عبارت است از این که "جمهوری اسلامی ایران یک دشمن است".

با وجود این، صرف نظر از موضع طرفدارانه کتاب، در ارزیابی آن باید گفت که هر چند تلاش نویسندگان کتاب ارائه اطلاعات مفصل و جزئی از توانمندی های ایران است، اما با توجه به مطالب فوق الذکر، آنها از هدف اولیه دور می شوند. البته نباید غافل بود که این کتاب به سفارش یک موسسه وابسته به کشور رقیب ایران تهیه شده است و طبیعی است که آنها برای تأمین هر چه بیشتر منافع ملی کشور متبوع خود قلم فرسایی کرده اند.

نکته دیگری که به خصوص درباره شخص کردزمن و آثار وی می توان گفت این است که درحالی که وی تاکنون دهها مقاله، کتاب و سخنرانی درباره جمهوری اسلامی ایران ارائه کرده است، در اثر حاضر مخصوصاً در معرفی گزینه های نظامی حمله به ایران، اوج نگاه خصمانه او در پیشنهادات عملی که متضمن نابودی ایران است و او به تعبیر خودکشی از آن یاد می کند، نمایان می گردد. چنین دیدگاهی در آثار قبلی او به این وضوح نشان داده نشده بود. شاید دلیل این امر به حاکمیت دیدگاههای نئومحافظه کاران و بینش بدبینانه و افراطی آنها نسبت به جمهوری اسلامی ایران بر می گردد.

اما همه معایب فوق که از دید ما ایرانی ها برای این کتاب و آثار مشابه متصور است، دلیلی برای طرد و عدم مطالعه و بررسی آنها نیست و برعکس ضرورت تام بررسی آنها و پی بردن به تصویر ایران نزد دشمنان و اهداف و برنامه های آنها برای مقابله با کشورمان را آشکار می سازد. در این صورت، جمهوری اسلامی ایران خواهد توانست گزینه های خود را با علم و آگاهی بیشتری انتخاب نماید. لذا تجزیه و تحلیل محتوای